



### اشاره:

در پنج قسمت پیشین، معنا و تعریف آزادی، پیشینه آزادی در اندیشه‌های غربی، شرقی و فرهنگ ایرانی، انواع آزادی (تکوینی و تشریحی)، ویژگی‌های انسان آزاد از نگاه اسلام و حکما، و آزادی از نگاه قرآن و روایات مورد بحث و بررسی قرار گرفت. سپس بحث گونه‌های آزادی و قلمرو آن در اسلام مطرح شد و از این بحث، گونه اول آن؛ یعنی، آزادی فلسفی تبیین شد. در این مقاله گونه‌های دیگری از آزادی مطرح می‌شود.

### ۲. آزادی معنوی

آزادی معنوی از جمله آزادی‌هایی

است که در ادبیات دینی و عرفانی اسلام ریشه عمیقی دارد و با عناوین گوناگونی چون آزادی از هواهای نفسانی، آزادی از تعلقات دنیوی و مانند اینها مطرح شده است.

غلام همت آنم که زیر چرخ کبود

ز آنچه رنگ تعلق پذیرد آزاد است  
 از نظر اسلام انسان در سیر تکامل معنوی و بندگی خداوند کاملاً آزاد است؛ اما از آنجا که امکان هر گونه لغزش و انحراف از مسیر صحیح وجود دارد؛ لذا برای رسیدن به اهداف عالی معنوی که قرب به خداوند و جلب رضایت او است، مسیرهای

روشن و پاکی را برمی‌شمارد و از هرگونه انحراف و افتادن در دامهای شیطانی و هوای نفس که ضد تکامل معنوی است، برحذر می‌دارد؛ چرا که انسان یک موجود مرکب از قوا و غرایز گوناگونی چون غضب، شهوت، حرص و طمع، جاه‌طلبی، افزون‌طلبی، مقام‌پرستی، دنیاطلبی و... و در مقابل عقل، فطرت و وجدان است.

بنابراین، امکان هرگونه لغزش و گمراهی در انسان وجود دارد. به همین جهت، ممکن است انسان از نظر معنا و باطن کاملاً آزاد، و از طرف دیگر ممکن است بنده و اسیر شهوت و هواهای نفسانی باشد. و یا به خاطر پول و مقام بنده و اسیر دیگران گردد. و به طور کلی یک برده تمام عیار پول و مقام و شهوت شود.

از اینرو، اسلام برای مهار شهوات و فزون‌طلبی و نفس شیطانی، اقدامات و راههای بازدارنده‌ای را به مؤمنان توصیه می‌نماید که با استفاده از آن عوامل بازدارنده، می‌توان به مراحل عالی معنوی دست یافت. مقصود از آزادی معنوی هم همین است که انسان

تلاش کند خویشتن را از بندگی و بردگی هواهای نفسانی برهاند؛ عقل و وجدان خود را آزاد نگه دارد و به کمک آنها راه صحیح آزادی معنوی و الهی را به دست آورد و خود را به هدف نهایی آفرینش برساند. این آزادی همان است که در زبان دین به آن «تزکیه نفس» و «تقوا» گفته می‌شود.

و از طرف دیگر، باید به این نکته توجه داشت که بدون برخورداری از آزادی معنوی، آزادیهای اجتماعی ناپایدار، بلکه ناممکن خواهد بود؛ چرا که نبود آزادی معنوی باعث تسلط نفس اماره بر روح و روان آدمی است و بر اثر این سلطه، سرشت انسانی دمساز خودکامگی و منفعت‌طلبی می‌گردد. در نتیجه، پیروی از نفس اماره محور رفتارهای اجتماعی قرار می‌گیرد.

در منابع اسلامی، بندگی خالص خداوند، تزکیه نفس، رعایت زهد و تقوا، کار و تلاش و دوری از طمع و رزوی، مخالفت با هوای نفس، از راه‌آوردهای آزادی معنوی به شمار می‌روند.

امام امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

«...وَلَا تُكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَقَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا؛<sup>۱</sup> برده دیگری مباش، در حالی که خداوند تو را آزاد آفریده است.»

آیات قرآن ضمن دعوت به بندگی خداوند و برحذر داشتن از بندگی غیرخدا، تصریح می‌کند که بندگی او باعث اخلاص در دین، دوری از پلیدی، راه درست و رهایی از هرگونه ظلمت و گمراهی است:

﴿إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي﴾<sup>۲</sup>  
 «من الله هستم، معبودی جز من نیست، پس مرا پرست.»

﴿وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ﴾<sup>۳</sup>؛ «و پروردگارت را عبادت کن تا یقین [= مرگ] به سراغت آید.»

﴿فَأَعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ﴾<sup>۴</sup>؛ «پس خدا را پرستش کن و دین خود را برای او خالص گردان.»

﴿لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ﴾<sup>۵</sup>؛ «معبودی جز من نیست، پس تنها مرا پرستش کنید.»

روایت فوق در کنار این آیات بیانگر این است که آزادی واقعی تنها و تنها، در بندگی خداوند میسر است. بنابراین، انسانها اگرچه در پرستش و

بندگی آزاد هستند، لکن بندگی غیرخداوند متعال عین اسارت و بردگی است. از نظر اسلام آزادی تنها در بندگی خالص خداوند است و تن دادن به گناه و شهوات، عین اسارت و بردگی است.

در برخی روایات اسلامی حریت و آزادی انسان منوط به ترک شهوت قلمداد شده، و بندگی شهوت را بدترین و شدیدترین نوع بردگی و ضد آزادی دانسته‌اند، چنانکه امام امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می‌فرماید: «مَنْ تَرَكَ الشَّهَوَاتِ كَمَاَنْ حُرًّا؛<sup>۶</sup> هر کس خواهشهای نفسانی را فروگذارد، آزاد است.»

و نیز در روایت دیگری می‌فرماید: «عَبْدُ الشَّهْوَةِ أَذَلُّ مِنَ عَبْدِ الرَّقِّ؛<sup>۷</sup> بنده شهوت، ذلیل‌تر از بنده زر خرید

۱. نهج البلاغه، همان، نامه، ۳۱.

۲. طه/۱۴.

۳. حجر/۹۹.

۴. زمر/۲.

۵. انبیاء/۲۵.

۶. نهج البلاغه، خطبه، ۱۷۶.

۷. شرح نهج البلاغه، عبدالحمید بن ابی‌الحدید معتزلی، قم، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰، ص ۳۴۲، ح ۹۲۸.

است.» و در روایت دیگری می‌فرماید: «عَبْدُ الشَّهْوَةِ أَسِيرٌ لَا يَنْفِكُ أَسْرَهُ؛<sup>۱</sup> بنده شهوت اسیری است که اسارتش دائمی است.»

«لَا يَنْسَرِقَنَّكَ الطَّمَعُ وَقَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا؛<sup>۵</sup> مبادا طمع ورزی تو را بنده و برده خویش سازد، در حالی که خداوند تو را آزاد آفریده است.»

در برخی از روایات، زهد و تقوا به عنوان عامل آزادگی انسان توصیف شده است، مانند:

گاهی در روایات بی‌نیازی از دیگران را مایه آزادگی روحی و معنوی انسان دانسته‌اند. چنانکه امام

۱. امام علی علیه السلام فرمودند:

«مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا أَحْتَقَ نَفْسَهُ وَأَرْضِي رِبِّهِ؛<sup>۲</sup> هر کس به دنیا پشت کند، نفس خویش را آزاد کرده و خدای خود را خوشنود ساخته است.»

علی علیه السلام می‌فرماید: «إِخْتِجَ إِلَيَّ مَنْ شِئْتَ تَكُنْ أَسِيرَهُ، إِنْ تَغْنَّ عَنْ مَنْ شِئْتَ تَكُنْ نَظِيرَهُ، أَحْسِنِ إِلَيَّ مَنْ شِئْتَ تَكُنْ أَمِيرَهُ؛ به هر که می‌خواهی نیازمند باش تا برده او باشی، از هر کس که می‌خواهی بی‌نیاز باش تا مثل او گردی، به هر کسی که می‌خواهی نیکی کن تا امیر او شوی.»

۲. و نیز آن امام علیه السلام فرمودند: «فَإِنَّ تَقْوَى اللَّهِ مِفْتَاحُ سَلَامٍ، وَذَخِيرَةُ مَعَادٍ، وَعِشْقُ مِنْ كُلِّ مَلَكَةٍ، وَنَجَاةٌ مِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ؛<sup>۳</sup> همانا تقوای الهی کلید هر در بسته و ذخیره رستاخیز، و عامل آزادگی از هرگونه بردگی و نجات از هرگونه هلاکت است.»

بر اساس این روایت نیازمندی به افراد دیگر، نوعی رقیبت و بردگی روحی و معنوی است. ادامه دارد....

و در مواردی طمع ورزی و زیاده خواهی علت رقیبت تلقی گشته است. امام علیه السلام در این باره می‌فرماید: «الطَّمَعُ رِقٌّ مَخْلَدٌ؛<sup>۴</sup> طمع کاری بندگی همیشگی است.»

۱. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسة آل البيت، الطبعة الثانية، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۸، ص ۳۴۶.

۲. غررالحکم و دررالکلم، انتشارات دارالکتاب، قم، بی تا، ج ۲، ص ۶۸۵، فصل ۷۸، ح ۱۱۵۳.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۰.

۴. غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۵۳، ح ۱۰۲۶.

۵. همان، ج ۲، ص ۸۱۱، فصل ۸۵، ح ۱۶۶.

و در روایت دیگری می‌فرماید: